مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و پنجم، شمارهٔ پیاپی ۹۰،
بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص۱۳۳– ۱۱۷

نقش ابراهیم بن هاشم در انتقال میراث حدیثی کوفه به قم

سید حسن طالقانی
کارشناس ارشد فلسفه و کلام؛ پژوهش‌گر حوزه علمیه قم

چکیده

میراث حدیثی شیعه که به طور عمده در کوفه تولید شده بود، در قرن سوم به قم انتقال یافت. در این انتقال میراث، بزرگانی از مشایخ کوفه و قم نقش داشته‌اند. بنا بر نقل نجاشی و شیخ طوسی، ابراهیم بن هاشم نخستین کسی است که میراث کوفه را در قم منتشر کرد ولی بر اساس اطلاعات موجود در فهرست شیخ و نجاشی، میراث کوفه، پیش از ابراهیم بن هاشم به واسطه کسان دیگری نیز به قم منتقل شده است. این نوشتار با معرّفی شخصیت علمی و فعالیتی که هر یک از مشایخ حدیث، در انتقال میراث کوفه داشته‌اند، نشان داده است که ابراهیم بن هاشم اگرچه نخستین انتقال دهنده میراث کوفه به قم نیست، ولی می‌تواند به عنوان نخستین نشر دهنده میراث کوفه در قم معرفی شود و این ادّعا از سوی اصحاب امامیه در بغداد، با سایر اطلاعات موجود در کتاب‌های فهرست هماهنگ است.

کلید واژه‌ها: حدیث کوفه، مکتب حدیثی قم، ابراهیم بن هاشم.

---

*. تاریخ وصول:۱۳۹۰/۰۱/۲۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۱/۰۸/۲۳.

به ادّعای نجاشی، طوسی و دیگر اصحاب امامیه در بغداد، ابراهیم بن هاشم نخستین کسی است که حدیث کوفه را در قم منتشر کرد (نجاشی،١٦؛ طوسی، فهرست، ١٢؛ ابن حجر،١/ ١١٨). نجاشی درباره او می‌نویسد: به ادعای اصحاب امامیه، ابراهیم بن هاشم نخستین کسی است که حدیث کوفیان را در قم منتشر نمود.[1] اما مراجعه به فهرست شیخ طوسی و نجاشی نشان می‌دهد پیش از ابراهیم بن هاشم، محمد بن خالد برقی و حسین بن سعید اهوازی، و معاصر با او احمد بن محمد بن عیسی اشعری میراث گرانی را از کوفه به قم منتقل کرده‌اند. در این نوشتار، پس از معرفی ابراهیم بن هاشم، تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که چرا با وجود این افراد، ابراهیم بن هاشم، نخستین نشر دهنده حدیث کوفه در قم معرفی شده است؟ روشن شدن این مسئله از آن رو اهمیت دارد که می‌تواند ما را در تحلیل چگونگی آشنایی و تعامل مشایخ قم با اندیشه‌های کوفی یاری نماید. توفیق ابراهیم بن هاشم – به عنوان شخصیتی کوفی– در نشر اندیشه کوفیان توانست سرآغاز خوبی برای ایجاد هماهنگی و واکنش نشان ندادن در برابر اندیشه‌های کوفی باشد که شاید این انتقال از سوی مشایخ قمی محدود تر و با نوعی گزینش همراه می‌بود.

ابواسحاق، ابراهیم بن هاشم بن خلیل قمّی، در اصل اهل کوفه بود و در آنجا رشد کرد (نجاشی، ١٦؛ طوسی، *فهرست*، ١١) بعدها به دلیل سکونت در قم و نقش بسیار مهمّی که در انتقال حدیث به این شهر ایفا کرد به قمّی شهرت یافت. وی در مکتب حدیثی کوفه پرورش یافت و از محضر بزرگ‌ترین محدّثان آن زمان، در کوفه و بغداد حدیث اخذ کرده، میراث عظیمی را که می‌توان آن را میراث حدیثی کوفه دانست و شامل حجم زیادی از میراث حدیثی و نسخه‌های متعدّد از مشایخ کوفه بود، به قم منتقل کرد.

از تاریخ تولّد و وفات او اطّلاع دقیقی در دست نیست، ولی از آنجا که وی از اصحاب امام رضا علیه‌السلام دانسته شده است (طوسی، *فهرست*،١٢؛ علامه حلی، ٤٩؛ ابن شهرآشوب، ٣؛ ابن داوود، ٢٠)[2]، باید ولادت او را در دهه‌های پایانی قرن دوم دانست. نیز اگر روایت

---

١ . « و أصحابنا يقولون: أول من نشر حديث الكوفيّين بقم هو.» (نجاشی، ١٦).

٢ . با این حال، پاره ای از رجال شناسان مصاحبت ابراهیم بن هاشم با امام رضا علیه‌السلام را به دلیل روایت نکردن او از آن حضرت انکار نموده‌اند ولی این به معنای درک نکردن دوران امامت ایشان نیست. ناگفته نماند که روایتی از کتاب *بشارة‌المصطفی* بر حضور ابراهیم بن هاشم در مجلس امام رضا علیه السلام در مدینه دلالت دارد. نک: *بشارة‌المصطفی*،١٣٠-١٣١.

بی‌واسطه ابراهیم بن هاشم، از حماد بن عثمان را بپذیریم[۱]، که مطابق نقل نجاشی در سال «۱۹۰» درگذشته است (نجاشی، ۱۴۳)، پس باید ولادت ابراهیم بن هاشم، پیش از سال ۱۷۵ هجری باشد. اما اگر روایت مستقیم وی از حمّاد بن عثمان را، بر اساس کلام شیخ صدوق، نپذیریم، باز هم کثرت روایاتِ ابراهیم، از حمّاد بن عیسی (د.۲۰۸ یا ۲۰۹) (نجاشی، ۱۴۲–۱۴۳) و صفوان بن یحیی (د.۲۱۰) (نجاشی،۱۹۸) نشان می‌دهد که ولادت او پیش از «۱۹۰» هجری بوده است. تشرف وی به حج، در آغاز امامت امام جواد علیه‌السلام «۲۰۴ هجری» و نقل روایت از آن حضرت در آن زمان (مفید، ۱۰۲)، شاهدی دیگر بر این مدّعا است. پس می‌توان تاریخ ولادت او را میان سال‌های ۱۷۰ تا ۱۹۰ هجری دانست. ابراهیم بن هاشم، دوران امامت امام هادی و امام عسکری علیهماالسلام را نیز درک کرده، از آن بزرگواران با واسطه روایت نمود (کلینی، ۳/ ۱۹۷؛ ۴۶۳/۷؛ طوسی، *تهذیب*، ۸۵/۲؛ حر عاملی، ۱۴/ ۵۶۹؛ ۲۱/ ۳۶۰)[۲] ولی شاهدی دال بر زنده بودن وی در دوران غیبت وجود ندارد. البته در *مزار کبیر* ابن مشهدی و مزار شهید، در اعمال مسجد سهله، روایتی از ابراهیم بن هاشم آمده است که نماز و دعای پس از آن را از شخصی که به گمان وی خضر علیه‌السلام بوده نقل کرده است. برخی با توجه به روایت دیگری که صاحب مزار، از علی بن محمد بن عبدالرّحمن تستری نقل نموده، و نقلی که سید بن طاووس در اقبال، از محمد بن أبی داود رواسی آورده است، شخصی که ابراهیم بن هاشم اعمال مسجد را از او نقل کرده، امام زمان علیه‌السلام دانسته‌اند.[۳] البته این مطلب شواهد کافی ندارد ولی در صورت صحتِ این برداشت، باید وفات ابراهیم بن هاشم در دوران غیبت صغری واقع شده باشد.

ابراهیم بن هاشم از افراد زیادی حدیث استماع کرد، مشایخ وی را تا ۱۶۰ تن شماره کرده‌اند (خویی، ۳۱۷/۱) که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: محمّد بن ابی عمیر، حمّاد بن عیسی، حسین بن یزید نوفلی، حسن بن محبوب، اسماعیل بن مِرار، عبدالله بن مغیره بَجلّی، عبدالرحمان بن ابی نجران، احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی، صفوان بن یحیی، حسن بن

---

۱ .در *کافی*، *تهذیب* و *استبصار* روایات بی‌واسطه ابراهیم بن هاشم از حماد بن عثمان نقل شده است ولی شیخ صدوق در مشیخه فقیه تصریح نموده که ابراهیم بن هاشم، حمادبن عثمان را درک نکرده است (نک: کافی، ج۴، ۵۵۸ ؛ *تهذیب*، ۹۳/۵، ۱۶۲، ۱۸۱؛ ۷/ ۱۶۹؛ *استبصار*، ۲/ ۲۴۴؛ ۴/ ۱۸۱ ؛ *من لا یحضره الفقیه*، ۴/ ۴۵۷).

۲ . البته در *تفسیر علی بن ابراهیم*، روایتی از ابراهیم بن هاشم، بدون واسطه از امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل شده است (نک: تفسیر قمی، ۲/ ۵۱).

۳ . «نک: ابن المشهدی، *مزار کبیر*، ۱۴۰ ؛ شهیداول، *المزار*،۲۵۸؛ ابن طاووس، *اقبال الاعمال*، ۱۳۰ ؛ *بحارالانوار*، ۴۴۳/۱۰۰–۴۴۸؛ *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ۱/ ۲۲۴».

علی بن فضّال، عمرو بن عثمان الخزّاز، قاسم بن محمّد اصفهانی و عثمان بن عیسی.[1] ابراهیم بن هاشم همه‌ی کتاب‌ها و احادیث برخی از مشایخ بزرگ خود همچون محمّد بن ابی عمیر را روایت کرده است (نجاشی،۳۲۷، طوسی، *فهرست*،٤٠٥). در این میان، روایت ابراهیم، از برخی راویان بزرگ، با تردید مواجه شده است. از آن جمله است: حمّاد بن عثمان الناب؛ چنانچه پیش‌تر گذشت، شیخ کلینی و شیخ طوسی روایاتی را از ابراهیم بن هاشم، بدون واسطه از حمّاد بن عثمان نقل نموده‌اند (کلینی، ۳/ ٥٦٣،١٤٤؛ ٤/ ٢٨٦، ٥٥٨؛ طوسی، *تهذیب*، ٥ / ٩٣، ١٦٢، ١٨١؛٧ / ١٦٩؛ *استبصار*، ٢ / ٢٤٤؛ ٤ / ١٨١)، ولی شیخ صدوق تصریح می‌کند که ابراهیم بن هاشم، حمّاد بن عثمان را درک نکرده و روایات بدون واسطه او، از حمّاد بن عیسی است. (ابن‌بابویه، ٤٥٧/٤؛ علامه حلی، ٢٨١؛ ابن داوود، ٥٥٦).

شخصیت دیگری که نامش با تردید در زمره‌ی اساتید ابراهیم بن هاشم ذکر شده، یونس بن عبدالرّحمن است. نجاشی به نقل از کشی، ابراهیم بن هاشم را شاگرد یونس معرفی می‌کند و البته در ادامه با عبارت «و فیه نظر» در آن تردید می‌نماید (نجاشی، ١٦). شیخ طوسی نیز ابراهیم را شاگرد یونس دانسته است (طوسی، *رجال*، ۳۵۳) و به پیروی او علامه و ابن‌داود نیز، تلمّذ نزد یونس را ذکر کرده‌اند (علامه حلی،٤؛ ابن داوود،٢٠)، ولی برخی از متأخران، تردید نجاشی را تبیین و گاه تقویت نموده، وجوهی برای این تردید، ذکر کرده‌اند: نخست اینکه لازمه‌ی شاگردی، روایت مستقیم از استاد است، در حالی که ابراهیم بن هاشم حتی یک روایت مستقیم و بی‌واسطه از یونس ندارد. دوم اینکه شاگردیِ نزد یونس، با نشر احادیث کوفه در قم منافات دارد، چون یونس نزد قمی‌ها مورد طعن بود و او را تضعیف می‌کردند (طوسی، *رجال*،٣٦٤،٣٩٤) و پذیرش احادیث، از شاگردِ چنین کسی در قم مشکل به نظر می‌رسد. برخی نیز اساساً طبقه‌ی ابراهیم را مؤخّر از یونس دانسته‌اند که امکان استفاده از وی معقول نخواهد بود. البته پاسخ‌های متعددی نیز به این اشکالات داده شده، که در این مختصر نمی‌گنجد.[2]

---

١ . تعداد روایات ابراهیم بن هاشم در کتب اربعه از هر یک از این مشایخ چنین است : محمد بن ابی عمیر ٣٤١٥ حدیث ، حماد بن عیسی ٩٧٥ حدیث ، حسین بن یزید ٧٤٥ حدیث ، حسن بن محبوب ٤٦٦ حدیث ، اسماعیل بن مرار ٢٢١ حدیث ، عبدالله بن مغیره ١٥٧ حدیث ، عبد الرحمان بن ابی نجران ١٥٤ حدیث ،احمد بن محمد بن ابی نصر ١٤٦ ، صفوان بن یحیی ١١٩ ، حسن بن علی بن فضال ٨٧ ،عمرو بن عثمان ٨٣ ، قاسم بن محمد ٦٦ ، عثمان بن عیسی ٤٧ حدیث.

٢ .برای این اشکال و جواب ها بنگرید: شفتی ،١١٣-١١٦؛ مامقانی، ٥/ ٧٤-٧٥؛ تستری، ٢٢٥/١-٢٢٧؛خوئی، ١/ ٣١٧؛ موحد ابطحی، ١/ ٢٥٤-٢٥٥؛ نمازی شاهرودی، ١/ ٢٢٢-٢٢٥.

ابراهیم بن هاشم پس از کسب مقامات علمی و تکمیل اندوخته‌ی حدیثی، راهی قم شد. زمان مهاجرت ابراهیم بن هاشم به قم را نمی‌دانیم، ولی می‌دانیم که این هجرت در زمانی اتفاق افتاد که ابراهیم بن هاشم به عنوان شیخ حدیث، شناخته شده بود و اندوخته‌ی حدیثیِ قابل ملاحظه و کاملی به همراه داشت. بنابراین انگیزه‌ی اصلی انتقال او به قم، کسب حدیث و افزایش اندوخته‌ی حدیثی نبوده، به ویژه که قم در آن زمان مرکز حدیثی بزرگ و قابل ملاحظه‌ای نبود، بلکه علل و عوامل دیگری را باید سبب این هجرت دانست که شاید یکی از آن عوامل، انگیزه‌ی انتقال و انتشار احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام باشد.

قم، کمی پیش‌تر از این دوران و در پی مهاجرت اشعریان، به پایگاهی جدید برای شیعه بدل شده بود و شاهد نقل و نشر میراث حدیثی بود. مشایخ قم، بخش محدودی از احادیث را با حضور نزد ائمه علیهم السلام و بدون واسطه از امام دریافت کرده، و البته بخش گسترده‌تری را با سفر به کوفه و از طریق مشایخ کوفه اخذ می‌کردند؛ ولی در مجموع، قم نسبت به کوفه که بزرگ‌ترین مرکز میراث حدیثی شیعه بود بخش بسیار مختصری از روایات اهل بیت علیهم‌السلام را در اختیار داشت.

در قرن سوم هجری مکتب حدیثی قم گسترش و رونق بیشتری یافت و ارتباط گسترده‌تری با کوفه برقرار نمود به گونه‌ای که انتقال حدیث از شکل اخذ روایت، به اخذ میراث حدیثی[1] مبدل شد و نهضت انتقال حدیث از کوفه به قم پدید آمد. می‌توان گفت تا پایان قرن سوم بخش اعظم میراث حدیثی کوفه، به ویژه میراثی که توسط مشایخ بزرگ و مورد اعتماد تولید و نقل شده بود، به قم منتقل شد و از سوی مشایخ قم پذیرفته شد، بدین‌سان قم به دوره‌ی جدیدی از رشد و بالندگی علمی و معرفتی وارد شد. در این انتقال میراث، افراد متعددی از مشایخ بزرگ هر دو مکتب، فعّال و نقش آفرین بوده‌اند که البته هر یک از این افراد با ویژگی‌ها و شرایط خاص خود، جایگاه متفاوتی در انتقال حدیث کوفه احراز نموده‌اند. در این میان، نقش ابراهیم بن هاشم، نقشی ویژه و متفاوت است.

توجه به حساسیت زیاد اصحاب قم در پذیرش احادیث، و صراحتِ برخورد آنان با راویانی که احادیث ضعیف نقل می‌کردند[2]، نشان می‌دهد میراث حدیثی ابراهیم بن هاشم، هم به لحاظ محتوا و هم از جهت طریق، متقن و قابل اعتماد بوده است.[1]

---

۱ . مراد از میراث حدیثی، آثار مکتوب و نسخه‌های معتبر از کتاب‌های حدیثی است.

۲ . برای نمونه اخراج کسانی چون سهل بن زیاد، احمد بن محمد بن خالد برقی و محمد بن علی ابو سمینه از قم به دلیل نقل روایات ضعیف بود. نک: نجاشی، ۱۸۵، ۲۵۵، ۳۳۲؛ ابن‌الغضائری، ۳۹، ٦٧.

چنانچه پیش‌تر گذشت، شیوخ ابراهیم بن هاشم از مشایخ بزرگ و شناخته شده کوفه بودند و از آنجا که در سنت اصحاب حدیث، توثیق و تضعیف راویان، در ارتباط با مضامین نقل شده از سوی آنان بود[۲]، نقل میراث ابراهیم بن هاشم و تضعیف نشدن او از سوی مشایخ قم، نشان دهنده‌ی پذیرفته شدن میراث حدیثی او در قم است.[۳] اگر چه از سوی رجال‌شناسان و اصحاب حدیث متقدم، توثیق صریحی درباره‌ی ابراهیم بن هاشم وارد نشده است[٤] ولی نقل وسیع روایات او، آن هم از سوی مشایخ بزرگ قم، صحت میراث ابراهیم را نزد اصحاب قم نشان می‌دهد. اگر چه ما از بودن یا نبودن گرایش‌های مختلف در بین اصحاب حدیث قم (چنان که در کوفه وجود داشت) اطلاعی نداریم، ولی می‌دانیم هیچ شخص یا گروهی در برابر ابراهیم بن هاشم و خط حدیثی او که وارث خط حدیثی- کلامی کوفه نیز بود[٥] مقاومتی نشان نداد؛ و ابراهیم بن هاشم کوفی بر کرسی حدیث قم، به میراث کوفه را منتشر ساخت.

افراد زیادی در قم از ابراهیم بن هاشم حدیث استماع کردند، ولی مهم‌ترین آن‌ها که در انتقال میراث حدیثی وی نیز نقش آشکاری داشتند عبارت بودند از: فرزندش، علی بن ابراهیم، محمد بن حسن صفار، سعد بن عبدالله اشعری و محمّد بن احمد بن یحیی اشعری و در مرتبه‌ی بعد، محمّد بن یحیی العطّار، محمّد بن علی بن محبوب، عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن ادریس که البته محوری‌ترین شخصیت در نشر میراث حدیثیِ ابراهیم بن هاشم، فرزندش علی بن ابراهیم است. می‌توان گفت علی بن ابراهیم، میراث حدیثی پدر را به طور کامل به نسل بعد انتقال داده است. حجم گسترده‌ی روایات وی از پدرش، در کافی و دیگر منابع حدیثی و همچنین در تفسیری که از وی باقی مانده است، اهتمام وی به نقل میراث پدر را نشان می‌دهد. تنها در کتاب کافی، ٤٨١٤ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش آمده است. در

---

۱ . مقایسه تعامل اصحاب قم نسبت به میراث حدیثی ابراهیم بن هاشم از یک سو و محمد بن خالد برقی و پسرش، از سوی دیگر این مطلب را بیشتر روشن می کند.

۲ . بررسی موارد توثیق و تضعیف در منابع اصلی رجالی، نشان می‌دهد بخش عمده‌ی توثیق و تضعیف‌ها ناظر به متن و مضمون روایات نقل شده راوی مربوط است.

۳ . اصحاب و مشایخ حدیث مادام که به مضمون حدیث یا صدور روایت از معصوم اطمینان پیدا نمی‌کردند از نقل آن خودداری می‌کردند چنان‌چه صدوق از روایت پاره‌ای از احادیث کتاب *المنتخبات* سعدبن عبدالله و *نوادرالحکمه* محمدبن احمدبن یحیی خودداری نمود ولی بخش‌هایی از روایات محمدبن اورمه –با این‌که ضعیف شمرده شده بود- روایت می‌کرد. نک: طوسی، *فهرست*، ۲۱۵-۲۱٦، ٤۰۷، ٤۱۰.

٤ .در باره وثاقت ابراهیم در بین متقدمان و متأخران نک: مامقانی، ٥/ ۸۱-۹٥؛ بحرالعلوم، ۱/ ٤٤۸-٤٦٥.

٥ .بر اساس گزارش نجاشی و دیگران از کشی، ابراهیم بن هاشم شاگرد یونس بن عبدالرحمان بود و خط یونس، تفکر کلامی کوفه بود که به هشام بن الحکم می‌رسید. نقل همه‌ی کتاب‌ها وروایات یونس بن عبدالرحمان و روایات هشام بن الحکم وهشام بن سالم توسط ابراهیم بن هاشم نیز صحت این انتساب را تأیید می‌کند.

آثار شیخ صدوق و دیگران نیز روایات ابراهیم بن هاشم به طور عمده، از طریق علی بن ابراهیم آمده است. در طرق شیخ صدوق به اصحاب، که در مشیخه فقیه آمده، ابراهیم بن هاشم در ٤٥ طریق واقع شده است که از این تعداد ٢٦ طریق آن با واسطه‌ی علی بن ابراهیم است. در حقیقت باید علی بن ابراهیم را تکمیل کننده نقش پدر در انتشار حدیث کوفه در قم دانست. به نظر می‌رسد تراث ابراهیم بن هاشم به طور کامل به نسل‌های بعد منتقل شده است و مشایخ قم در پذیرش روایات او گزینش و استثناء نکرده‌اند. محمّد بن حسن صفار در کتاب *بصائر الدرجات* ١٢٠ روایت در فضائل اهل‌بیت علیهم‌السلام از ابراهیم بن هاشم نقل نموده است و خودش واسطه انتقال میراث ابراهیم به طبقه بعد، از جمله ابن ولید بود. سعد بن عبدالله اشعری نیز اگر چه آثار حدیثی‌اش به ما نرسیده است ولی بر اساس اسناد موجود، در طریق روایات ابراهیم بن هاشم به ابن ولید و علی بن بابویه قرار دارد. اما شاگرد دیگر ابراهیم بن هاشم، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری، صاحب کتاب *نوادرالحکمه* است؛ وی نیز علاوه بر اینکه در طریق بسیاری از روایات اصحاب، به ابراهیم بن هاشم قرار دارد، بخشی از روایات ابراهیم را در کتاب *نوادرالحکمه* آورده است و نکته قابل توجه اینکه، گرچه پاره‌ای از مشایخ قم مانند ابن ولید، برخی از رجال *نوادرالحکمه* را استثناء نموده، از پذیرش بخشی از کتاب پرهیز نمودند، ولی احادیث ابراهیم بن هاشم پذیرفته شد (نجاشی، ٣٤٨؛ طوسی، *فهرست*، ٤١٠).

میراث حدیثی ابراهیم، گسترده و در عین حال متنوع بود و ابواب مختلف فقه، اخلاق و عقاید را شامل می‌شد، البته به طور طبیعی حجم روایات فقهی از سایر ابواب بیشتر است. برای نمونه تنها در کتاب *کافی*، ٤٨٣٢ روایت از طریق ابراهیم بن هاشم آمده است که از این تعداد نزدیک به ٧٠٠ روایت، اعتقادی و بقیه در فروع مختلف فقهی است.

گستردگی میراث ابراهیم بن هاشم و پذیرش و نشر این میراث از سوی مشایخ حدیثی قم، اهمیت وی را در انتشار حدیث کوفه در قم نشان می‌دهد؛ ولی پرسش اصلی که در اینجا مطرح می‌شود، چگونگی تقدم ابراهیم بن هاشم بر اقران وی است.

در آغاز این نوشتار به نقل از نجاشی و شیخ طوسی بیان شد که اصحاب امامیّه، ابراهیم بن هاشم را نخستین کسی می‌دانند که حدیث کوفه را در قم منتشر کرد، در حالی که مراجعه به *فهرست* شیخ طوسی و *فهرست* نجاشی نشان می‌دهد پیش از ابراهیم بن هاشم، کسانی از جمله محمّد بن خالد برقی و حسین بن سعید اهوازی، میراثی را از کوفه به قم منتقل نموده‌اند.

پرسش این است که: چرا با وجود تقدّم زمانی این افراد بر ابراهیم بن هاشم، وی نخستین ناشر حدیث کوفه در قم معرفی شده است؟

برای بررسی این مسئله و یافتن پاسخ، زندگی علمی این مشایخ را مرور می‌کنیم:

۱. محمد بن خالد برقی

محمّد بن خالد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن علی، ابوعبدالله برقی،[۱] از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام بوده است. نسبت او به برقه‌رود از مناطق اطراف قم است(نجاشی، ۳۳۵). درباره وثاقت او بین رجال شناسان اختلاف نظر وجود دارد، نجاشی و ابن الغضائری وی را به دلیل نقل از ضعفاء و اعتماد بر اخبار مرسل تضعیف کرده‌اند ولی شیخ طوسی به وثاقت او نظر داده است (نجاشی،۳۳۵؛ ابن الغضائری، ۹۳؛ طوسی، *رجال*، ۳٦۳). نجاشی وی را ادیب و آگاه به اخبار و علوم عرب معرفی نموده، کتاب‌هایی از او، به ویژه در تاریخ عرب نام می‌بَرد[۲] که توسط فرزندش، احمد و احمد بن محمد بن عیسی روایت شده است (نجاشی، ۳۳۵؛ طوسی، *فهرست*، ٦٤۰). برقی، غیر از تألیفات خود، با سفر به کوفه بخشی از میراث حدیثی کوفه را به قم منتقل نمود. شاید وی نخستین کسی است که در این حجم، میراث کوفه را به قم آورد.

بنا بر گزارش طوسی در *فهرست*، محمّد بن خالد نزدیک به پنجاه کتاب را روایت نموده که بیشتر آن‌ها از مشایخ کوفه است. نجاشی نیز نام محمّد بن خالد را در ۳۸ طریق یاد کرده است.

باید توجه داشت که مشایخ محمّد بن خالد در کوفه، مشایخ بزرگ و نام‌آور کوفی نیستند؛ اگر چه وی از کسانی چون ابن ابی‌عمیر و صفوان بن یحیی نیز روایت نموده است ولی در کنار آن‌ها، نام افراد متعددی را می‌بینیم که یا مجهول و یا توسط رجال شناسان تضعیف شده‌اند، که این خود عامل تضعیف برقی، از سوی ابن غضائری و نجاشی شده است.

به هر حال این میراث به قم انتقال یافت ولی ظاهراً او آن را انتشار نداد. بر اساس گزارش نجاشی و طوسی غیر از پنج یا شش نسخه که از طریق احمد بن محمّد بن عیسی روایت شده

---

۱ . درباره او نک: نجاشی، ۳۳۵؛ طوسی، *فهرست*،٦٤۰؛ *رجال* ۳٤۳، ۳٦۳ ، ۳۷۷؛ ابن الغضائری، ۹۳؛ برقی، ۵۰، ٥٤، ٥٥.

۲ . نجاشی از این کتاب‌ها نام برده است:کتاب التنزیل والتعبیر، کتاب یوم ولیله، کتاب التفسیر، کتاب مکه و المدینه، کتاب حروب الأوس والخزرج، کتاب العلل، کتاب فی علم الباری، کتاب الخطب. طوسی نیز از او کتابی با عنوان «*النوادر*» نام برده است.

است تقریباً بقیه روایات محمّد بن خالد با واسطه فرزندش احمد بن محمّد نقل و انتشار یافته است. این مطلب را روایات منقول در *کافی* و سایر منابع حدیثی نیز تأیید می‌کند. برای مثال از ٥٤٤ روایت محمد بن خالد در کافی، ٣٦١ روایت از طریق احمد بن محمد بن خالد و ١٦٤ روایت از طریق احمد بن محمد بن عیسی نقل شده و تنها ١٩ روایت از طرق دیگر به کلینی رسیده است و این مطلب نشان می‌دهد مشایخ قم روایات او را اخذ نکرده بودند.

۲. حسین بن سعید

حسین بن سعید بن حمّاد بن سعید بن مهران،[1] از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام و راوی از آن بزرگواران است. وی در اصل کوفی بود و در مدرسه حدیثی کوفه حدیث آموخت. مشایخ وی عمدتاً کوفی و یا بغدادی هستند. تعداد مشایخ او را بیش از صد تن شمرده‌اند (خویی، ٥/ ٢٤٧)، مهم‌ترین مشایخ او عبارتند از: فضالة بن ایوب[2]، ابن ابی‌عمیر، صفوان بن یحیی، حمّاد بن عیسی، نضر بن سوید، قاسم بن محمّد جوهری، محمّد بن سنان، عثمان بن عیسی[3].

وی پس از آموختن حدیث در کوفه، به اهواز رفت و به همین سبب به اهوازی ملقب شد (نجاشی، ٥٩) و سرانجام در پایان عمر به قم رفته و در همآنجا درگذشت (نجاشی، ٦٠). حسین بن سعید با انتقال به قم، علاوه بر پاره‌ای از میراث مشایخ کوفه، کتاب‌های سی‌گانه خود را– که باید آن‌را میراث کوفه دانست– در قم منتشر ساخت. حسین بن سعید بیش از آنکه راوی کتاب‌های مشایخ دیگر باشد، کتاب‌های خود را روایت می‌کرد. وی، سی کتاب در ابواب و موضوعات مختلف داشت[4] که این گستردگی و شمول آثار وی، زبانزد و مثال زدنی شده بود به گونه‌ای که هر کس کتاب‌های متعدد در ابواب مختلف فقه و غیر آن داشت، گفته می‌شد کتاب‌هایی مانند کتاب‌های حسین بن سعید دارد (طوسی، *فهرست*، ١٤٦، ١٥٢، ٢١٩، ٢٢٠،

---

١ . درباره او نک: نجاشی، ٥٨–٦٠؛ طوسی، *رجال*٣٥٥، ٣٧٤، ٣٨٥؛ *فهرست*، ١٤٩–١٥٠؛ کشی، ٥٥١.

٢ . البته نجاشی از حسین بن یزید سورایی نقل کرده که حسین بن سعید از طریق برادرش حسن، از فضاله روایت می‌کرد.

٣ . تعداد روایات حسین بن سعید از هر یک از این مشایخ در کتاب *کافی* چنین است: فضاله، ١٠٨٢؛ ابن ابی عمیر، ٨٠٥؛ صفوان بن یحیی، ٧٣٧؛ حمادبن عثمان، ٦٤٩؛ نضربن سوید، ٦٤٢؛ محمدبن سنان، ١٨٦؛ عثمان بن عیسی،١٨٦.

٤ . این کتاب‌ها که مشترک بین او و برادرش حسن بن سعید بود عبارتند از: کتاب الوضوء، کتاب الصلاه، کتاب الزکاه، کتاب الصوم، کتاب الحج، کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب العتق و التدبیر و المکاتبه، کتاب الایمان والنذور، کتاب التجارات و الاجارات، کتاب الخمس، کتاب الشهادات، کتاب الصید والذبایح، کتاب المکاسب، کتاب الاشربه، کتاب الزیارات، کتاب التقیه، کتاب الرد علی الغلاة، کتاب المناقب، کتاب المثالب، کتاب الزهد، کتاب المروة، کتاب حقوق المؤمنین و فضلهم، کتاب تفسیر القرآن، کتاب الوصایا، کتاب الفرائض، کتاب الحدود، کتاب الدیات، کتاب الملاحم، کتاب الدعاء.

۲۲۳، ۲٤۳، ۲٦٦). حسین بن سعید در مدّت نه چندان طولانی که در قم مهلت یافت، کتاب‌های خود را برای مشایخ قم روایت نمود و البته اصحاب نیز آن را پذیرفته و بدان عمل کردند؛ چنانچه نجاشی درباره‌ی کتاب‌های حسین بن سعید می‌گوید: «کتب حسنة معمول علیها» (نجاشی، ۵۸) و در طریق به کتاب‌های او می‌گوید: «این کتابها (کتابهای حسین بن سعید) را افراد زیادی با طریق‌های فراوان و متعدد برای ما روایت کرده‌اند» که نشان دهنده انتشار این کتاب‌ها در بین اصحاب است. تنها در کتاب کافی ۵۸٦٦ روایت از حسین بن سعید نقل شده است. بدین ترتیب حسین بن سعید بخشی از میراث حدیثی کوفه را که شامل کتاب‌های خودش و پاره‌ای از میراث دیگر مشایخ کوفه بود به قم منتقل نمود. این میراث چنانچه از فهرست نجاشی و طوسی استفاده می‌شود و البته اسناد کافی نیز تأیید می‌کند به طور عمده توسط احمد بن محمد بن عیسی و حسین بن حسن بن ابان انتشار یافته است.

غیر از برقی و حسین بن سعید اهوازی که بر ابراهیم بن هاشم مقدم بودند، احمد بن محمد بن عیسی اشعری نیز با ابراهیم بن هاشم، معاصر و از دیگر کسانی است که نقش اساسی در انتقال حدیث کوفه به قم ایفا کرده است.

۳. احمد بن محمّد بن عیسی

شیخ ابوجعفر، احمد بن محمّد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک اشعری (**نجاشی**، ۸۱؛ **طوسی**، ***فهرست***، ٦۰؛ ***رجال***، ۳۵۱، ۳۷۳، ۳۸۳) از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام، شیخ و فقیه قمّیین و در قم ریاست و جایگاه اجتماعی والایی داشته است (نجاشی، ۸۱؛ طوسی، *فهرست*، ٦۰). وی برای اخذ حدیث به کوفه رفت و از بزرگ‌ترین مشایخ کوفه و بغداد روایات و میراث حدیثی‌شان را اخذ نمود. احمد بن محمّد بن عیسی، تنها از ابن ابی‌عمیر، کتاب‌های یک‌صد تن از اصحاب امام صادق علیه‌السلام را روایت نموده است[۱]. مهم‌ترین مشایخ وی عبارت‌اند از: ابن ابی عمیر، حسن بن محبوب، حسین بن سعید، حسن بن علی بن فضال، علی بن الحکم، محمد بن سنان، محمد بن اسماعیل بن بزیع، احمد بن ابی‌نصر بزنطی، عثمان بن عیسی و...

شاید بتوان ادعا کرد بیشترین میراثی که از کوفه به قم انتقال یافته، از طریق احمد بن محمد

۱. طوسی، *فهرست*، ٤۰٤. شیخ طوسی به کتاب های ۵٦ راوی از طریق احمد بن محمدبن عیسی از ابن ابی عمیر طریق دارد، نجاشی نیز در ۵۰ مورد روایت احمدبن محمدبن عیسی از ابن‌ابی عمیر را گزارش نموده است.

بن عیسی روایت شده است. بر پایه گزارش فهرست‌های موجود، نام احمد بن محمد بن عیسی، در بیشتر طرق قمّی‌ها، به میراث کوفه ذکر شده است. شیخ طوسی در طریق به میراث ۱۳۵ تن از اصحاب، نام وی را ذکر نموده، و نجاشی نیز در طریق خود به میراث ۱۱۰ نفر از راویان حدیث از او یاد کرده است. در مجامع حدیثی نیز روایات احمد بن محمد بن عیسی از مشایخ کوفی به شکل گسترده‌ای منتقل شده است. تنها در کتاب کافی ٤٨٢٨ روایت، و در تهذیب ٣٣٦٢ روایت از احمد بن محمد بن عیسی روایت شده است.

دو ویژگی در احمد بن محمد بن عیسی، جایگاه خاصی در انتقال حدیث به وی بخشیده بود، اولین ویژگی، تلاش و همت والای او در اخذ میراث شمار زیادی از مشایخ کوفه است که وی را در برابر اقران خویش ممتاز ساخته است. ویژگی دوم، در موقعیت و جایگاه اجتماعی اوست که وی را در گسترش و نشر این میراث در قم یاری نمود. شخصیت‌های برجسته حدیثی در قم، روایات احمد بن محمد بن عیسی را روایت کرده‌اند که از آن جمله است: سعد بن عبدالله اشعری، محمد بن حسن صفار، عبدالله بن جعفر حمیری، احمد بن ادریس، محمد بن بطه قمی، علی بن ابراهیم، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، محمد بن یحیی و محمد بن علی بن محبوب.

آنچه بیان شد نمونه‌ای است از کسانی که پیش از ابراهیم بن هاشم میراث کوفه را به قم انتقال دادند و یا مانند احمد بن محمد بن عیسی، اگر چه معاصر و هم‌طبقه با ابراهیم بن هاشم است ولی به نظر می‌رسد در مقایسه با ابراهیم بن هاشم میراث بیشتری را منتقل نموده است. نقش هر یک از این مشایخ و میزان میراث منتقل شده توسط هر یک نیز بیان شد.

پرسش اصلی که تلاش خواهم کرد در ادامه به آن پاسخ دهم این است که چرا با وجود این افراد، نجاشی، طوسی و سایر اصحاب امامیه، ابراهیم بن هاشم را نخستین نشر دهندهٔ حدیث کوفه در قم شمرده‌اند؟

با توجه به آنچه پیش‌تر بیان شد، انتقال میراث کوفه، پیش از ابراهیم بن هاشم آغاز شد، بنابراین تقدّم ابراهیم بن هاشم، تقدّم زمانی در انتقال حدیث نیست. البته اصحاب بغداد نیز نخستین انتشار حدیث کوفه در قم را به ابراهیم بن هاشم نسبت داده‌اند نه نخستین انتقال حدیث را. پس سؤال این است که چگونه پیشگامان در انتقال حدیث کوفه، به انتشار آن میراث در قم موفّق نبودند و ابراهیم بن هاشم مقدّم بر دیگران بر این امر توفیق یافت؟

درباره برقی که به نظر می‌رسد نخستین کسی است که میراث حدیثی کوفه را در حدّ قابل

توجهی به قم انتقال داد، دو عامل ذیل می‌تواند دلیل انتشار نیافتن روایات وی در قم باشد: عامل اول همان غرابت و ناشناس بودن مشایخ برقی، آن هم در بدو ورود احادیث کوفه است؛ چنانچه پیش‌تر گذشت، برقی از مشایخ مجهول و ناشناس روایت می‌کرد و این مسئله مشایخ قم را در روایت این احادیث با تردید مواجه نمود. عامل دیگری که می‌تواند سبب انتشار نیافتن روایات برقی باشد، دوری او از مرکزیت شهر قم است. زیرا چنانچه نجاشی گزارش نموده، برقی به برقه‌رود از نواحی اطراف قم منتسب بوده، اگر وی پس از مراجعت از کوفه و تا پایان عمر در برقه‌رود باقی مانده باشد، فاصله مکانی و دوری از مشایخ حدیث در قم می‌تواند عامل منتشر نشدن روایات او در قم باشد.

اما حسین بن سعید اهوازی نیز که در همین ایام و شاید کمی پیش‌تر از ابراهیم بن هاشم به قم نقل مکان نموده، میراثی را به قم انتقال داد، دو مسئله حرکت او را در رتبه‌ای متأخر از ابراهیم بن هاشم قرار می‌دهد؛ اول آنکه، حسین بن سعید، کتاب‌های سی‌گانه خود را به قم آورده بود و بیشتر، آثار مکتوب خود را روایت می‌کرد، نه همه‌ی میراثی که از مشایخش گرفته بود، ولی ابراهیم بن هاشم خود، کمتر کتاب داشت و بیشتر به انتقال میراث مشایخ کوفه می‌پرداخت. دومین نکته این است که حسین بن سعید در قم، برای نقل و انتشار میراثی که با خود داشت فرصت چندانی نیافت و اندکی پس از استقرار در قم، از دنیا رفت (نجاشی، ٦٠).

بنابراین اگر چه برقی و حسین بن سعید در انتقال حدیث، بر ابراهیم بن هاشم مقدم بودند ولی به نشر میراث کوفه در قم موفّق نشدند و ابراهیم بن هاشم در انتشار حدیث کوفه و انتقال این میراث به مشایخ قم در رتبه نخست قرار گرفت. البته شاید توفیق احمد بن محمد بن عیسی در انتشار میراث حدیثی کوفه در قم بیشتر بوده است با وجود اینکه احمد بن محمد بن عیسی و ابراهیم بن هاشم در یک طبقه و دارای مشایخ مشترک هستند، ولی بر اساس گزارش نجاشی و دیگران، ابراهیم بن هاشم باز هم بر احمد بن محمد بن عیسی مقدم است. بنابراین باید ورود ابراهیم بن هاشم به قم را پیش از بازگشت احمد اشعری دانست. البته ویژگی دیگر ابراهیم بن هاشم که وی را از جهتی بر احمد بن محمد بن عیسی مقدم می‌دارد، کوفی بودن ابراهیم بن هاشم است. احمد بن محمد بن عیسی، از قم برای اخذ حدیث به کوفه رفت و میراثی را با خود به قم منتقل نمود و محتمل است که وی با معیارهای موجود در قم، میراثی را از کوفه گزینش کرده به قم انتقال داده باشد، ولی ابراهیم بن هاشم پرورش یافته مدرسه حدیثی کوفه است و احتمالاً همه‌ی میراثی که در کوفه از مشایخ خود اخذ کرده بود و به دلیل

گستردگی میراث و کثرت مشایخ، می‌توان آن را میراث حدیثی کوفه دانست، به قم منتقل کرده است. بر این اساس ابراهیم بن هاشم نخستین کوفی است که میراث حدیثی کوفه را در قم منتشر کرده است.

از آنجا که بخش اصلی میراث کوفه تا پایان قرن سوم به قم انتقال یافت، از دیگر معاصران ابراهیم بن هاشم که در رتبه‌ای پس از او در این انتقال میراث نقش اساسی داشتند نیز در اینجا یاد می‌کنیم.

احمد بن محمّد بن خالد برقی[1]

ابوجعفر، احمد بن محمد، فرزند محمد بن خالد برقی که پیش‌تر ذکرش گذشت، از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهماالسلام بود. تاریخ وفات او را ٢٧٤ یا ٢٨٠ گزارش کرده‌اند (نجاشی، ٧٧). وی نه تنها میراثی که پدرش از کوفه به قم منتقل نموده بود را روایت کرده در قم انتشار داد، بلکه خود نیز با سفر به کوفه و بغداد، بخشی از میراث کوفه را از مشایخ حدیث استماع کرده، به قم منتقل نمود. احمد برقی در کوفه و قم از مشایخ زیادی حدیث شنید و در طریق روایت بخش زیادی از میراث کوفه و قم واقع شده است. مهم‌ترین مشایخ وی عبارت‌اند از: محمد بن خالد، احمد بن ابی‌نصر، حسن بن علی بن فضال، حسن بن محبوب، عثمان بن عیسی، اسماعیل بن مهران، ابن ابی عمیر، حسین بن سعید، صفوان بن یحیی، ابوسمینه و محمد بن عیسی بن عبید. البته وی نیز مانند پدرش، از افراد ضعیف روایت می‌کرد و بر اخبار مرسل اعتماد می‌نمود و به همین دلیل برخی از مشایخ به او طعن زده و او را تضعیف کرده‌اند. نجاشی و شیخ طوسی وی را با عبارت «ثقة فی نفسه» توثیق کرده‌اند ولی در ادامه، نقطه ضعف او را در کثرت روایت از ضعفا و اعتماد بر اخبار مرسل می‌دانند (نجاشی،٧٦؛ طوسی، *فهرست*، ٥٢)؛ ابن غضائری اشاره کرده که گرچه قمی‌ها درباره او طعن زده‌اند ولی طعن، نسبت به خود او نیست بلکه به کسانی باز می‌گردد که برقی از ایشان روایت کرده است (ابن الغضائری،٣٩). وی خود نیز کتاب‌های متعددی داشت که مجموعه‌ای از آن‌ها با نام «المحاسن» شناخته می‌شد.[2] همه‌ی کتاب‌ها و روایات احمد بن محمد بن خالد را علی

۱ . درباره او نک: نجاشی، ٧٦؛ طوسی،*فهرست*، ٥١؛ همو، ٣٧٣، ٣٨٣؛ ابن الغضائری، ٣٩.

۲ .نام کتاب‌های وی در *رجال* نجاشی و *فهرست* طوسی با اندک اختلافی آمده است. فهرست این نام‌ها بر اساس گزارش شیخ طوسی چنین است: کتاب‌الإبلاغ، کتاب التراحم و التعاطف، کتاب أدب النفس، کتاب المنافع، کتاب أدب المعاشرة، کتاب المعیشة، کتاب المکاسب، کتاب الرفاهیة، کتاب المعاریض، کتاب السفر، کتاب الأمثال، کتاب الشواهد من کتاب الله عز و جل، کتاب النجوم، کتاب المرافق، کتاب الزواجر، کتاب السوم، کتاب الزینة، کتاب الأرکان، کتاب الزي، کتاب اختلاف الحدیث،

بن حسین سعدآبادی، محمد بن جعفر بن بطه و سعد بن عبدالله اشعری روایت کرده‌اند (طوسی، *فهرست*، ٥٤). از دیگر کسانی که از احمد بن محمد بن خالد روایت کرده‌اند، محمد بن حسن صفار، علی بن ابراهیم، علی بن محمد بن عبدالله بن اذینه، احمد بن عبدالله بن امیه و احمد بن عبدالله را می‌توان نام برد. در کتاب *کافی* ۱۷۷۳ روایت از احمد بن محمد بن خالد نقل شده است.

محمّد بن عبدالجبّار قمی[۱]

از دیگر کسانی که در این دوره میراث کوفه را به قم منتقل نمودند محمد بن عبدالجبار قمی از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام است. در مصادر رجالی از او به محمد بن ابی الصهبان یا ابن ابی الصهبان یاد می‌شود. شیخ طوسی وی را توثیق نموده است. محمد بن عبدالجبار برای اخذ حدیث به کوفه رفته و بخشی از میراث حدیثی کوفه را به قم انتقال داده است. مهم‌ترین مشایخ وی در کوفه، صفوان بن یحیی، محمد بن اسماعیل بن بزیع و حسن بن علی بن فضال بوده‌اند. البته اهمیت وی در انتقال حدیث کوفه از احمد بن محمد بن عیسی و ابراهیم بن هاشم بسیار کمتر است. نجاشی میراث ١٦ تن از اصحاب را از طریق محمد بن عبدالجبار روایت می‌کند و شیخ طوسی میراث ٥ نفر را با واسطه‌ی وی روایت کرده است. شیخ کلینی نیز در کتاب *کافی* ٦٠٧ روایت از محمد بن عبدالجبار روایت نموده است. به نظر می‌رسد محمد بن عبدالجبار صاحب کتاب نبوده و تنها راوی میراث

کتاب الطیب، کتاب المآکل، کتاب الماء، کتاب الفهم، کتاب الإخوان، کتاب الثواب، کتاب تفسیر الأحادیث و أحکامه، کتاب العلل، کتاب العقل، کتاب التخویف، کتاب التحذیر، کتاب التهذیب، کتاب التسلیة، کتاب التاریخ، کتاب غریب، کتب المحاسن، کتاب مذام الأخلاق، کتاب النساء، کتاب المآثر و الأنساب، کتاب أنساب الأمم، کتاب الشعر و الشعراء، کتاب العجائب، کتاب الحقائق، کتاب المواهب و الحظوظ، کتاب الحیاة و هو کتاب النور و الرحمة، کتاب الزهد و المواعظ، کتاب التبصرة ،کتاب التعبیر، کتاب التأویل، کتاب مذام الأفعال، کتاب الفروق، کتاب المعاني و التحریف، کتاب العقاب، کتاب الإمتحان، کتاب العقوبات، کتاب العین، کتاب الخصائص، کتاب النحو، کتاب العیافة و القیافة، کتاب الزجر و الفأل، کتاب الطیر، کتاب المراشد، کتاب الأفانین، کتاب الغرائب، کتاب الحیل، کتاب الصیانة، کتاب الفراسة، کتاب التفویض، کتاب النوادر، کتاب مکارم الأخلاق، کتاب ثواب القرآن، کتاب فضل القرآن، کتاب مصابیح الظلم، کتاب المنتخبات، کتاب الدعاء، کتاب الدعابة و المزاح، کتاب الترغیب، کتاب الصفوة، کتاب الرؤیا، کتاب المحبوبات و المکروهات، کتاب خلق السماوات و الأرض، کتاب بدء خلق إبلیس و الجن، کتاب الدواجن و الرواجن، کتاب مغازي النبي صلی الله علیه و آله، کتاب بنات النبي صلی الله علیه و آله و أزواجه، کتاب الأجناس و الحیوان، کتاب التأویل. و زاد محمد بن جعفر بن بطة علی ذلك: کتاب طبقات الرجال، کتاب الأوائل، کتاب الطب، کتاب التبیان، کتاب الجمل، کتاب ما خاطب الله به خلقه، کتاب جداول الحکمة، کتاب الأشکال و القرائن، کتاب الریاضه، کتاب ذکر الکعبه، کتاب التهانی، کتاب التعازی.

۱ . درباره او نک: طوسی، *فهرست*،٤١٥؛ *رجال*، ٣٢٨، ٣٩١، ٤٠١، ٤٤٨؛ برقی، ٥٩، ٦١.

مشایخ خود بوده است؛ زیرا شیخ طوسی نیز کتابی برای او یـاد نکـرده و تنهـا وی را صـاحب روایات دانسته است (طوسی، *فهرست*، ٤١٥).

روایات او را در قم بیش‌تر احمد بن ادریس، عبدالله بن جعفر الحمیری، محمد بن الحسـن الصفار و محمد بن یحیی العطار روایت کرده‌اند.

محمد بن علی الصیرفی[1]

از دیگر کسانی که در این دوره بخشی از میراث کوفـه را بـه قـم انتقـال داده‌انـد ابـوجعفر محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی الصیرفی ملقب (یا مکنّـی) بـه ابوسـمینه اسـت (نجاشـی، ۳۳۲؛ طوسی، *فهرست*،٤١٢). وی کوفی و نامش در زمره‌ی اصحاب امام رضا علیه‌السلام ذکـر شده است (طوسی، *رجال*، ٣١٤). همه رجال شناسـان او را ضـعیف و فاسـد الاعتقـاد معرفـی کرده‌اند. وی کتاب‌های متعددی داشته و گفته شده کتـاب‌هـای او (در عـدد) مثـل کتـاب‌هـای حسین بن سعید است (طوسی، *رجال*، ٤١٢). نجاشی از کتاب‌هـای او نـام پـنج کتـاب را ذکـر نموده است؛ کتاب الدلائل، کتاب الوصایا، کتاب العتـق، کتـاب تفسـیر عـمّ یتسـاءلون و کتـاب الآداب. ابوسمینه علاوه بر کتاب‌های خود بخشی از میراث مشایخ کوفـه را نیـز بـه قـم منتقـل نمود. نام وی در ۱۳ طریق از طرق نجاشی به میراث راویان کوفی ذکـر شـده اسـت (نجاشـی، *رجال*، ٨، ٢٦، ٧٢، ١٢٨، ١٣٦، ١٦٤، ١٨٩، ٢٩٣، ٢٩٥، ٤٢٨، ٤٢٩، ٤٣٦، ٤٥٤). شیخ طوسی نیز در پنج طریق، با واسطه‌ی او روایت نموده است.

ابوسمینه پیش از ورود به قم، در کوفه، به غلو و دروغ‌گویی شهرت یافته بـود، وی بـه قـم وارد شد و مدتی نزد احمد بن محمد بن عیسی مهمان بود تا اینکه در قم نیز بـه غلـو شـهرت یافت و احمد بن محمد بن عیسی، وی را از قم اخراج کـرد (نجاشـی، ۳۳۲، ابـن الغضـائری، ٩٤). در مدتی که در قم اقامت داشت برخی از مشایخ قم، از او کتاب‌ها و روایاتش را اسـتماع نمودند. از مهم‌ترین کسانی که از وی روایت کرده‌اند، احمد بن محمد بن خالد برقی و محمـد بن ابی‌القاسم ماجیلویه است. مشایخ قم کتاب‌ها و روایات او را غیر از آنچه غلو و تخلیط بـود و یا از منفردات ابوسمینه به شمار می‌آمد، روایت نموده‌اند (طوسی، *فهرست*، ٤١٢)؛ بخشـی از این میراث در کتاب‌های اصحاب راه یافت. محمد بن احمد بن یحیی، در کتـاب *نوادرالحکمـة* روایات وی را نقل کرد (طوسی، *فهرست*، ۲۲۲) کلینی در کتاب *کافی*، ۲۸۲ حـدیث از طریـق

---

۱ . درباره او نک: کشی، ٥٤٥–٥٤٦؛ طوسی، *فهرست*،٤٠٦، ٤١٢،٤١٧؛ *رجال*، ٣١٤، ٤٣٨؛ نجاشی، ٣٣٢؛ ابن‌الغضائری، ٩٤.

أبوسمینه روایت کرده است، شیخ صدوق نیز در کتاب *توحید*، *معانی‌الاخبار* و *امالی*، روایاتی از طریق أبوسمینه دارد (*توحید*،۱۲۸، ۱٤۳، ۲٥۰؛ *معانی‌الاخبار*، ۱٥۰، ۲۰٤، ۳۷٥؛ *امالی*، ۳۸۰، ٦۱۰؛ *ثواب الاعمال*، ۲۹).

مروری بر این گزارش‌ها نشان می‌دهد ابراهیم بن هاشم، هم از جهت گستردگی میراث و هم از جهت توفیق در نشر و پذیرش روایاتش از سوی مشایخ قم، بر اَقران خویش برتری دارد و چنانچه پیش‌تر گذشت کوفی بودن وی و تقدم او در هجرت به قم، در مقایسه با بیشتر ناقلان حدیث کوفه، وی را در درجه نخست نشانده و در مجموع ادعای مشایخ امامیه در بغداد را تأیید می‌نماید.

منابع

ابن الغضائری، احمد بن الحسین،***رجال***، به کوشش محمدرضا حسینی جلالی، دارالحدیث،قم،۱٤۲۲ ق.

ابن المشهدی، محمد بن جعفر، ***المزار الکبیر***، به کوشش جواد قیومی،مؤسسة النشرالاسلامی، ۱٤۱۹ ق.

ابن‌بابویه، محمد بن علی، ***من لا یحضره الفقیه***، مؤسسة النشرالاسلامی،۱٤۱۳ ق.

ابن حجرعسقلانی، احمد بن علی، ***لسان المیزان***، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۳۹۰ ق.

ابن داوود، حسن بن علی، ***رجال***، به کوشش جلال الدین محدث ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.

ابن شهرآشوب، محمد بن علی، ***معالم‌العلماء***، به کوشش عباس اقبال، مطبعه فردین، تهران، ۱۳٥۳ ق.

ابن طاووس، علی بن موسی، ***اقبال الاعمال***، دارالکتب الاسلامیه،۱۳۹۰ ق.

بحر العلوم، محمد مهدی، ***الرسائل الرجالیه***، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، مکتبة الصادق، تهران، ۱۳٦۳ ش.

تستری، محمدتقی، ***قاموس الرجال***، مرکز نشرالکتب، تهران، ۱۳۷۹ ق.

حر عاملی، محمد بن الحسن، ***وسائل الشیعه***، مؤسسة آل‌البیت لإحیاء التراث، قم، ۱٤۱٤ ق.

خوئی، ابولقاسم، ***معجم رجال الحدیث***، مرکز نشر آثار شیعه، ۱٤۱۰ ق.

شفتی، محمدباقر، ***الرسائل الرجالیه***، به کوشش مهدی رجائی، انتشارات مسجدسید، بی‌تا.

شهید اول، محمد بن مکی، ***المزار***، مدرسة الامام المهدی، قم، ۱٤۱۰ ق.

طبری، محمد بن علی، ***بشارة المصطفی لشیعة المرتضی***، به کوشش جواد قیومی، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱٤۲۰ ق.

طوسی، محمد بن الحسن، ***الاستبصار***، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق.

طوسی، محمد بن الحسن، ***التهذیب***، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ١٣٦٥ ش.

طوسی، محمد بن الحسن، ***الرجال***، انتشارات حیدریه، نجف، ١٣٨١ ق.

طوسی، محمد بن الحسن، ***الفهرست***، به کوشش سید عبدالعزیز طباطبایی، مکتبةالمحقق الطباطبایی، قم، ١٤٢٠ ق.

علامه حلی، حسن بن مطهر، ***خلاصةالاقوال***، دارالذخائر، قم، ١٤١١ ق.

قمی، علی بن ابراهیم، ***تفسیر القمی***، مؤسسةدارالکتاب، قم ١٤٠٤ ق.

کشی، محمد بن عمر، ***رجال***، انتشارات دانشگاه مشهد، ١٣٤٨ ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ١٣٦٥ ق.

مامقانی، عبدالله، ***تنقیح المقال***،به کوشش محیی‌الدین مامقانی،مؤسسة آل‌البیت لاحیاءالتراث،قم،١٤٢٤ ق.

مجلسی، محمدباقر، ***بحارالانوار***، مکتبةالاسلامیه، تهران، ١٣٨٨ ق.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ***الاختصاص***، دارالمفید، بیروت، ١٤١٤ ق.

موحدابطحی، محمدعلی، ***تهذیب المقال***، قم، ١٤١٧ ق.

نجاشی، احمد بن علی، ***رجال***، به کوشش سید موسی شبیری زنجانی، مؤسسة النشرالاسلامی، قم، ١٤٠٧ ق.

نمازی شاهرودی، علی، ***مستدرکات علم رجال الحدیث***، چاپخانه شفق، تهران، ١٤١٢ ق.